

دیگر نیز رؤیت گردد؛ به طور مثال بعضی از آسیب‌های حوزه فرهنگی در عرصه سیاسی نیز ظاهر شود، اما سعی ما بر این است تا حد امکان هر قالب به صورت تفکیک شده و اختصاصی ارائه شود.

#### مفهوم «آسیب‌شناسی»

واژه آسیب‌شناسی یا پاتولوژی (Pathology) از علوم پزشکی به حوزه علوم اجتماعی وارد شده است، و در اصل، به معنای «مبحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیرمادی» است.<sup>۱</sup> شهید استاد مرتضی مطهری (ره) آسیب‌شناسی را در اصطلاح حوزه تفکر دین بدین گونه تعریف کرده است: «آسیب‌شناسی دینی، یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر دین و معرفت دینی و دین‌داری و ... وارد شده یا ممکن است وارد بشود».<sup>۲</sup>

«آسیب» ممکن است شکل بالفعل یا بالقوه داشته باشد. به بیان دیگر، می‌تواند شکل احتمالی نیز بیابد. لفظ «آسیب» از واژه «موانع» که معمولاً به آسیب‌های خارجی گفته می‌شود و از واژه «آفت‌ها» که عموماً به آسیب‌های داخلی اطلاق می‌گردد، اعم است. در مجموع می‌توان گفت مقصود از «آسیب‌شناسی» شناخت مجموعه آفات و موانعی است که ممکن است به شکل بالفعل یا بالقوه پدیده‌ای مانند اتحاد ملی یا انسجام اسلامی را تهدید کند.

#### مفهوم «اتحاد ملی»

ملیت با واژه ناسیونالیسم (nationalism) مترادف می‌باشد که در لغت به معنای متولد شدن آمده و ابتدا به معنای گروهی از مردم به کار رفته است که در یک سرزمین متولد شده‌اند. امروزه ملی‌گرایی به معنای آگاهی ملی و احساس تعلق به ملت مشخصی که با ویژگی‌های خاص از سایر ملت‌ها متمایز شده است،

مراد از آسیب‌شناسی یافتن نقصان‌ها، عارضه‌ها و کاستی‌های پیدا و پنهان برای هر موضوع یا سیستمی است. وجود خلل در هر بخشی، به هر دلیلی، مانع انجام شدن درست و صحیح وظیفه یا وظایف برای دستیابی به مطلوب می‌گردد. این امر از آنجا مهم و در خور تأمل است که آسیب‌ها الزاماً جنبه عینی و ظاهری ندارند و چه بسا انتزاعی و پنهان باشند که توجه به آن‌ها و تبیین‌شان، برای رسیدن به مقصود، ضروری و حیاتی است. از آنجا که اتحاد ملی و انسجام اسلامی از موضوعاتی است که به شکل چندعاملی و چندوجهی می‌باشد، رعایت احتیاط و سنجیدن جوانب و مراتب آن و شناخت آسیب‌ها و آفت‌هایش، به ویژه در جهان کنونی، باید با حساسیت و دقت‌نظر خاص همراه باشد. به همین منظور مقاله حاضر در پی آن است که بعضی از این موانع و زوایای پنهان آسیب‌ها و حساسیت‌های موجود در دستیابی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی را تبیین و بررسی کند.

این پژوهش، شناسایی موانع و آسیب‌های اتحاد ملی و انسجام اسلامی می‌باشد. قبل از شرح آسیب‌هایی که می‌تواند اتحاد ملی و انسجام اسلامی را تهدید کند، لازم و بجاست مباحث مقدماتی بحث بیان شود که عبارت‌اند از: تبیین مفاهیم و واژگان کلیدی بحث، ضرورت و اهمیت اتحاد ملی و انسجام اسلامی و طرح ضرورت آسیب‌شناسی در این دو مقوله.

مدل انتخاب‌شده در بحث «موانع پویایی اتحاد ملی و انسجام اسلامی» بدین شکل است که هر یک از این دو مقوله در سه قالب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آسیب‌شناسی می‌شود. از این نکته غفلت نشود که ممکن است بعضی از آسیب‌ها در حوزه‌های

به کار می‌رود. ملی‌گرایی مستلزم احساس وفاداری و علاقه پرشور افراد به مفهوم انتزاعی ملت و عناصر خاص چون نژاد، زبان، نمادها، سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و به طور کلی فرهنگ ملی می‌باشد. در قرون هفده و هیجده به تدریج در اروپا دولت‌ها، هویتی ملی یافتند و مفهوم «دولت - ملت» مدرن پدید آمد. دولت ملی، که در زبان لاتینی «Nation - state» خوانده می‌شود، به کشوری اطلاق می‌گردد که جمعیت آن از یک قوم و ملت تشکیل شده و دارای رسوم و زبان واحدی است.<sup>۲</sup> «اتحاد ملی» در فرایند «دولت ملی» معنا پیدا می‌کند؛ یعنی باید ابتدا «دولت ملی» شکل بگیرد تا در آن «اتحاد ملی» رخ دهد. بافت متنی دانشواره «اتحاد ملی» بافتی اجتماعی - سیاسی است. به بیان دیگر با وجود ورود نتایج مثبت آن به تمامی عرصه‌های حیات جامعه ملی (دولت - ملت) و مجموعه‌های انسانی (شهروندان) و حتی ورود نتایج آن در عرصه حیات فردی تک‌تک افراد ملت، منزلگاه بروز آن را باید در عرصه اجتماعی - سیاسی دنبال کرد و در تعریف آن از ادبیات سیاسی سود جست. وحدت که در ادبیات سیاسی به زبان لاتین با واژه «unity» آمده از دو ویژگی و مختصه اساسی متأثر است: یگانگی درونی؛ و پیوستگی بیرونی.

یگانگی درونی به نقطه تشابه هویتی اشاره دارد که ایجادکننده استحکامی است که می‌توان آن را بنیاد عمیقی برای پیوستگی‌های عینی دانست. در لسان قرآن آنگاه که گفته می‌شود «واعصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران / ۱۰۱) بواقع به همین نقطه تشابه هویتی و عامل استحکامبخش اشاره دارد که می‌تواند پایه مستحکم وحدت باشد و اتحاد بدون آن بی‌منزله است. از همین رو یک ملت با حصول به یگانگی درونی و تسری آن به لایه‌های بیرونی در قالب پیوستگی‌های اجتماعی و بسط آن در تمامی ساخت‌ها، عرصه‌ها، حوزه‌ها و جوه جامعه ملی، می‌تواند به «اتحاد ملی» دست یابد. اگر ملت جمعیت تعریف‌شده در داخل مرزهای ترسیم‌شده رسمی را در بر می‌گیرد که در فرهنگ، مذهب و قومیت مشترکی که تداوم تاریخی قدرتمندی دارند سهیم هستند، وحدت ملی به یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی آن‌ها بر حول این مشترکات تاریخی قدرتمند اشاره دارد که به دنبال اتحاد در عرصه حیات اجتماعی - سیاسی خود برای افزایش قدرت به منظور حصول به اهداف تعریف‌شده ملی می‌باشد.

#### مفهوم «انسجام اسلامی»

همان‌طور که اشاره شد، دولت‌های ملی در قرن‌های هفده و هیجده پدید آمدند و با معین شدن مرزهای جغرافیای حاکمیت هر واحد سیاسی، حدود و ثغور آن مشخص گردید. به موازات این تحول شگرف، یکی از مباحثی که در حوزه مطالعه سیاسی روابط

بین‌الملل مطرح شد مبحث هم‌گرایی و واگرایی بود. طرفداران نظریه هم‌گرایی سیاسی بر این باور بودند که دولت‌های ملی می‌توانند بر اساس اشتراک و مسائل و موضوعات مورد علاقه، همکاری کنند و به سمت هم‌گرایی پیش بروند. یکی از زمینه‌های هم‌گرایی را می‌توان دین، علائق مذهبی و مسائل اعتقادی دانست. در میان دولت‌های ملی، بعضی از حکومت‌ها بودند که بر یک موضوع اشتراک نظر واحد داشتند و آن «اسلام» بود. اسلام نقطه اشتراک بسیاری از دولت‌های ملی تلقی می‌شد که آن‌ها را به سوی هم‌گرایی دعوت می‌نمود و این زمینه‌ای بود برای به وجود آمدن عنوانی به نام «جهان اسلام».

جهان اسلام به مجموعه‌ای از دولت‌ها اطلاق می‌گردد که دین اسلام را مذهب رسمی کشور خود قرار داده‌اند و بدان پایبند می‌باشند. پس از شکل گرفتن این مجموعه، تلاش‌ها و کوشش‌های بسیاری انجام شد تا فاصله‌های کشورهای اسلامی با هم به حداقل ممکن برسد و تعامل و گفت‌وگو در میان آنان نهادینه گردد و ریشه اختلافات و دو دستی‌ها خشکانیده شود. بنابراین اصطلاحی استراتژیک و حیاتی برای جهان اسلام به وجود آمده است به نام «انسجام اسلامی». انسجام اسلامی به معنای تکیه بر مشترکات و نادیده گرفتن اختلافات و حرکت در مسیر همکاری و هم‌گرایی می‌باشد.

در حقیقت کشورهای اسلامی با متمرکز شدن بر آنچه میان همه مسلمانان مشترک می‌باشد درصددند اتحادی استراتژیک بر پایه دین و مذهب میان خود برقرار سازند در عین حالی که دولت‌های ملی اصالت خود را از دست نخواهند داد و به حیات خود ادامه خواهند داد. انسجام اسلامی، اتحادی است علیه دشمن مشترک، و پیمانی است برای زندگی بهتر در چارچوب اسلام؛ دین برتر.

#### ضرورت و اهمیت اتحاد و انسجام در اسلام

اسلام به مسأله وحدت و اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگرسته و بر اهمیت این مقوله میان انسان‌ها، مسلمانان و ادیان الهی تأکید کرده است. اتحاد و یگانگی در سایه وحدت عقیده محکم‌ترین نوع اتحاد است که قرآن بر آن تأکید ورزیده است. قرآن، بر اساس همین وحدت عقیده، مؤمنان را برادران یکدیگر خوانده است: «انما المؤمنون اخوه» (حجرات / ۱۰) و این اخوت و برادری آن‌چنان مستحکم بود که تا مدتی پس از عقد اخوت میان مسلمانان در مدینه، آنان از یکدیگر ارث می‌بردند تا اینکه با نزول آیه ۷۵ سوره مبارکه انفال این حکم نسخ شد<sup>۳</sup> (و اولو الارحام بعضهم اولی ببعض).

قرآن مجید از تفرقه، اختلاف و دو دستی‌ها به کرانه گودال آتش جنگ یاد کرده که وحدت، اتحاد و یک دستی‌ها خطر فرو افتادن در چنین گودالی را

در حقیقت کشورهای اسلامی با متمرکز شدن بر آنچه میان همه مسلمانان مشترک می‌باشد درصددند اتحادی استراتژیک بر پایه دین و مذهب میان خود برقرار سازند در عین حالی که دولت‌های ملی اصالت خود را از دست نخواهند داد و به حیات خود ادامه خواهند داد

پس از فروپاشی امپراتوری اسلامی عثمانی و مستقل شدن کشورهای اسلامی در قالب یک حاکمیت مشخص، مباحث «سیاسی» در جهان اسلام اهمیت بیشتری پیدا کرد و تأثیرپذیری بیشتری در مقوله «انسجام اسلامی» یافت. از آنجا که «سیاست» ارتباط مستقیمی با مقوله «قدرت» دارد و حکومت را کسانی تشکیل می‌دهند که قدرت را به دست آورده باشند، حاکمان، نوع حکومت، شیوه و روش آن و نوع تعامل حکومت با دیگر حکومت‌ها در بحث «انسجام اسلامی» موقعیت بسزایی دارد

برطرف می‌سازد: «بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و او از آن، شما را نجات داد.» (آل عمران / ۱۰۳).<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین امام علی (ع) در یکی از خطبه‌هایش، با بیان سرگذشت امت‌های پیشین، بر این مطلب تأکید کرده است: «آنان هنگامی که اتحاد و یکپارچگی داشتند چگونه دارای عزت و شوکت بودند و بر جهانیان فرمانروایی می‌کردند، اما آنگاه که از هم پراکنده شدند، خواری و ذلت به آنان روی آورد و از هر سوی تاراج شدند و حیثیت و حاکمیت خود را از دست دادند.»<sup>۲</sup> خداوند در قرآن اتحاد را در زمره نعمت‌های الهی بر می‌شمرد «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم» (آل عمران / ۱۰۳). علامه طباطبایی (ره) در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید چنین اظهار کرده است: «شاید وجه اینکه «اعتصام بحبل الله» و متفرق نشدن «نعمت خدا خوانده و فرمود «واذکروا نعمه الله علیکم» اشاره به همین معنایی باشد که ما خاطرنشان ساختیم؛ یعنی خواسته باشد بفرماید اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی‌دلیل نیست. دلیل بر اینکه شما را به آن دعوت کرده‌ایم همین است که خود به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید.»<sup>۳</sup> بنابر آنچه بیان شد نگاه اسلام به مقوله «اتحاد» و «انسجام» نگاهی مبتنی بر ژرفاندیشی و آینده‌نگری است. «وحدت» برای امت اسلامی و دولت‌های اسلامی، چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی، کالایی و بترینی و تجملاتی محسوب نمی‌شود، بلکه مقوله‌ای کاملاً استراتژیک، حساس و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید که غفلت از آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

### ضرورت آسیب‌شناسی

پدیده‌های اجتماعی که منشأ تأثیرات عمیق و شگرف در جامعه هستند همچون موجودات زنده و جاندار، در معرض انواع آسیب‌ها، آفت‌ها، موانع و تهدیدها قرار دارند. به همان اندازه که یک موجود زنده باید در صدد باشد آسیب‌ها و آفت‌های خود را بشناسد و ابتدا پیشگیری نماید و در صورت بروز، آن را ریشه‌کن کند، پدیده‌های اجتماعی هم دقیقاً در همین فرآیند طی طریق می‌کنند و «اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» یکی از این موارد است. از آنجا که «اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» اهمیت و تأثیر فوق‌العاده‌ای در معادلات سیاسی، اجتماعی دارد به همان اندازه در معرض انواع و اقسام آسیب‌ها و آفت‌ها می‌باشد و اگر این آسیب‌ها به موقع شناسایی نشوند به مثابه آفتی عمل خواهند کرد که ریشه «اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» را از پایه و اساس ویران خواهند نمود. بنابراین ضرورت آسیب‌شناسی این دو مقوله بر هر صاحب اندیشه و شعوری مشخص و واضح می‌باشد.

### آسیب‌شناسی «اتحاد ملی» (الف) در حوزه فرهنگی:

۱- پیروی از شیطان و تمایلات نفسانی: یکی از عواملی که می‌تواند اتحاد و انسجام را در معرض تهدید و فروپاشی قرار دهد تبعیت از شیطان و اسیر تمایلات نفسانی شدن است. در حقیقت این عامل هم می‌تواند «اتحاد ملی» را در چارچوب یک حاکمیت به خطر اندازد و هم این قدرت را دارد که انسجام اسلامی امت اسلام را در معرض زوال و نابودی قرار دهد. قرآن مجید پس از دعوت مردم به اتحاد و انسجام و یکپارچگی حول محور دین، بر این مسأله تأکید می‌کند که تبعیت از شیطان می‌تواند آسیب جدی به این امر وارد نماید. تبعیت از شیطان و تمایلات نفسانی سرمنشأ همه انحرافات از جمله اختلاف و نزاع می‌باشد (بقره / ۲۰۸) و اگرچه این، پدیده‌ای تازه نیست، اما این مطلب نشان می‌دهد که هر جا مؤمنان بر مدار ولایت الهی نباشند و ولایت شیطان را قبول کنند اختلاف وجود دارد.

از آیات دیگر قرآن کریم به خوبی بر می‌آید که یکی از اهداف مهم شیطان ایجاد عداوت، دشمنی و کینه‌دواری میان مردم است که همین مسأله مقدمه‌ای می‌شود برای اختلاف و دو دستگی. خداوند در سوره مائده شراب و قمار و بت‌ها را از عمل شیطان می‌داند و دستور اجتناب مسلمانان از آن‌ها را صادر می‌کند آیه بعد تأکید می‌کند که هدف شیطان از ترویج این گناهان ایجاد عداوت و دشمنی و زمینه‌سازی برای اختلاف است (مائده / ۱۹).

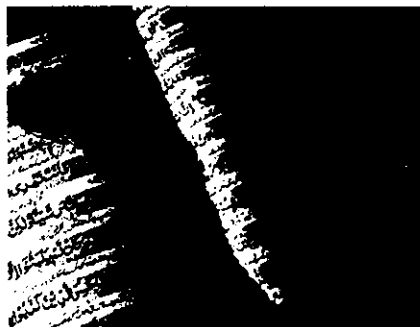
۲- تخریب به جای نقد سازنده: در آموزه‌های دین اسلام بر مسأله نقد و انتقاد سازنده تأکید فراوانی شده است. آنچه از روایات ما استفاده می‌شود این است که مسلمانان باید درصدد برآیند همدیگر را اصلاح کنند و آنچه را احساس می‌کنند عیب و نقص محسوب می‌شود به هم‌کیشان خود تذکر دهند. روایت معروف «المؤمن مراه المؤمن» به خوبی گویای این واقعیت است. امام صادق (ع) فرموده است: «محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.»<sup>۴</sup> حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) نیز در این بحث می‌فرماید: «باید برگزیده‌ترین مردم نزد تو آن کسی باشد که عیب تو را به تو هدیه کند و در پیکار با نفست تو را یاری رساند.»<sup>۵</sup> بنابر این آنچه در آیات و روایات بر آن تأکید شده است ارائه نقد سازنده و نشان دادن عیب به منظور اصلاح و رفع آن می‌باشد، اما با تخریب و نقد گزرنده به شدت مخالفت شده است. تخریب اثر مخربی در جامعه در پی خواهد داشت و می‌تواند آسیب‌های جدی به مسأله اتحاد ملی وارد نماید. اگر در جامعه، تخریب شخصیت‌ها، گروه‌ها و تشکلهای سیاسی زیادینه گردد و فرهنگ نقد سازنده به فراموشی سپرده شود، دیگر رمقی برای «اتحاد ملی» در سطح جامعه باقی نخواهد ماند و با

فراگیر شدن تخریب، اختلاف نیز فراگیر خواهد شد. بر همین اساس چه در قرآن و چه در احادیث حضرت معصومین (ع) به افرادی که از مردم عیبجویی و آنان را تخریب می‌کنند به شدت حمله شده است. قرآن می‌فرماید: «وای بر هر غیبت‌کننده غیبت‌جویی» (همزه/۱).

در این آیه شریفه، «همزه» در لغت به معنای کسی است که به ناحق بر دیگران بسیار خرده می‌گیرد و آنچه را عیب نیست از آنان عیب می‌گیرد. این واژه در اصل به معنای شکستن است، بنابراین کسی که از دیگری عیب‌جویی و خرده‌گیری می‌کند، با این کار خود، گویی او را می‌شکند و شخصیت او را خرد می‌کند. «همزه» به معنای عیب نیز است.<sup>۱۱</sup> پیامبر اسلام (ص) فرموده است: «بدترین مردمان کسانی هستند که سخن چینی می‌کند و میان دوستان جدایی می‌افکند و کسانی که برای بی‌گناه عیب می‌تراشند.»<sup>۱۲</sup> از مباحث مطروحه به این نتیجه می‌رسیم که اسلام حامی و مدافع نقد و انتقاد پویا و سازنده می‌باشد و با تخریب به شدت مخالف است و این عمل غیراخلاقی را تهدیدی برای وحدت و اتحاد تلقی می‌کند.

#### ب) در حوزه سیاسی:

۱- اختلاف در حاکمیت: حکومت مسئول اداره جامعه است. در حقیقت افرادی که در مناصب گوناگون متصدی اداره کردن جامعه هستند و در قالب حکومت فعالیت می‌کنند تأثیر مستقیمی در مسیر حرکت جامعه دارند. پس از عصر نوزایی، فلاسفه سیاسی مهم‌ترین گزویژه حکومت را ایجاد امنیت و مدیریت جامعه دانسته‌اند و در همین مسیر به تفکیک قوا دست زده‌اند. منتسکیو با طرح این نظریه انفکاک مسئولیت‌ها در حکومت را خواستار شد و خواهان این بحث گردید که قوای سه‌گانه، اعم از اجرائی، تقنینی و قضایی، در امور هم مداخله نکنند و هر کدام در مسیر و حیطه وظایف خود حرکت نمایند. آنچه از آموزه‌های اسلامی فهمیده می‌شود لزوم انسجام و هماهنگی کامل بین قوای مختلف حکومت است؛ زیرا اگر در قوای سه‌گانه حکومت اختلاف و دودستگی ایجاد شود این اختلاف بالضرورة به میان عموم مردم هم سرایت خواهد کرد و این خطر بزرگی برای اتحاد ملی محسوب می‌گردد. بنابراین باید در کنار پذیرش اصل تفکیک قوا، راهکاری هم برای دفع این خطر ملاحظه گردد. اگرچه راهکارهایی در نظام‌های سیاسی رایج در دنیا در زمینه عدم تداخل قوا و پیامدهای آن در پیش گرفته شده، اما مشکل اختلاف قوا همچنان باقی است. اسلام احتمال خطر در این مسیر را در دو حوزه بدنه حاکمیت، و نیروهای سیاسی فعال مطرح کرده است، که با مشروعیت بخشیدن به ولایت سیاسی برای ائمه در زمان حضور و برای فقیه در زمان غیبت و با پیش‌بینی شیوه‌های راهگشا و برای حل این معضل می‌توان این خطرها و اختلافات را به حداقل رساند.



۲- حزب‌گرایی افراطی: حزب از پدیده‌های جدید و مدرن است که سابقه بسیاری در فرهنگ سیاسی جوامع ندارد. اصطلاح حزب ممکن است به شکل عام و در معنای لغوی کاربردهایی داشته باشد، ولی آنچه حزب سیاسی نامیده می‌شود و به اصطلاح فلاسفه سیاسی «چرخ‌دنده ماشین دموکراسی» تلقی می‌گردد مفهوم نوینی است.

حزب سیاسی جمعیتی سازمان‌یافته در درون یک نظام سیاسی است که عقیده‌های مشترک دارند و برای کسب و به‌کارگیری قدرت در اجرای دیدگاه‌ها و اهداف خود با یکدیگر متحد می‌شوند.<sup>۱۳</sup>

پرسش اساسی این است که دیدگاه اسلام سیاسی، به عنوان یک مدل حکومت، نسبت به حزب چیست؟ کلمه حزب در قرآن کریم در هشت مورد به صورت مفرد و دوازده مورد به صورت‌های دیگر آمده است و از آن جمله: «و من یتول الله و رسوله و الذین امنوا فان حزب الله هم الغالبون» (مائده/۶۵)، «ان حزب الشیطان هم الخاسرون» (مجادله/ ۹۱)، «کل حزب بما لدیهم فرحون (روم/ ۲۲) می‌باشند. اما باید توجه کرد که حزب در آیات الهی قرآن مجید هرگز به معنای نوین آن نیست. با اینکه آموزه‌های اسلام دارای آن‌چنان وسعت و گنجایشی هستند که می‌توان آن را بر مسائل مستحدثه حمل کرد، خلط مفاهیم مدرن و قدیم مقبول و معقول نیست.

بنابراین حزب مسأله‌ای جدید و نوظهور است، لذا باید در قالب مبانی فقهی و کلامی شیعی بازنگری گردد. اگر آزادی، عقل‌گرایی و مسئولیت‌پذیری در زندگی سیاسی را مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری احزاب سیاسی بدانیم، کلام و فقه شیعه در مقایسه با دیگر مذاهب اسلامی بیشترین قربت و هم‌سختی را با مبانی فوق‌نشان می‌دهد. بنابراین حزب به معنای جدید و نوین خود در مدل حکومتی اسلام تأیید شده است. احزاب سیاسی با جهت‌گیری مثبت می‌توانند در زندگی عمومی و سیاسی جامعه مؤثر باشند و با کمک به گسترش آگاهی سیاسی مردم، شهروندان را به زندگی بهتر و اتحاد و همبستگی و فعالیت جمعی سوق دهند، و بدین ترتیب در شکل‌دهی و تبیین مصالح دینی و ملی، که شریعت اسلامی مرزهای آن را مشخص می‌کند، مفید واقع گردند. البته باید توجه کرد که حزب هم به مانند سایر پدیده‌های اجتماعی

هم می‌تواند فرصتی برای جامعه محسوب گردد و هم تهدید. از جمله خطرهایی که می‌تواند در بستر احزاب سیاسی شکل بگیرد ترویج و نهادینه شدن تعصبات حزبی است. آنچه باید برای همه احزاب مهم باشد منافع ملی است. اگر جامعه به حزب‌گرایی افراطی مبتلا شود و احزاب برای به دست آوردن قدرت بخواهند از خطوط قرمز جامعه تجاوز نمایند و منافع ملی را فدای منافع حزبی نمایند، بزرگ‌ترین ضربه را به «اتحاد ملی» وارد نموده‌اند. تنها ملاک تعیین مصادیق خطوط قرمز در نظام سیاسی اسلام ولایت فقیه است که با واجد بودن صفت علم و عدالت، تبعیت از وی لازم و ضروری است. شهروندان، اگر مشاهده کنند که احزاب به اختلاف مبنایی دچار هستند، دیگر انگیزه‌ای برای اتحاد در خود پیدا نخواهند کرد.

#### ج) در حوزه «اقتصادی»:

۱- وجود تبعیض و بی‌عدالتی: واضح است که تبعیض عاملی است برای اختلاف و درگیری، و نتیجه فقدان عدالت در هر جامعه‌ای چیزی نیست جز واگرایی. اگر بخواهیم جامعه به سوی هم‌گرایی پیش برود، لامحاله باید عدالت را نهادینه کنیم. خداوند در قرآن کریم هدف از بعثت انبیا را ایجاد عدالت در میان مردم می‌داند (حدید / ۵۲).

عدالت در سیره سیاسی پیشوایان دین نیز در خور توجه و تأمل است. امام علی (ع) عدالت را معیار سیاست دانسته است.<sup>۱۴</sup> رسول خدا (ص) پس از فتح مکه و برقراری حاکمیت اسلام در آن سرزمین، با ایراد خطبه‌ای فرمود: «ای مردم آگاه باشید که خداوند شما یکی است و پدرتان نیز یکی است، پس بدانید که نه عربی را بر عجم و نه عجمی را بر عرب و نه سیاهی را بر سفید و نه سفیدی را بر سیاه برتری نیست مگر به تقوا.»<sup>۱۵</sup> دیدگاه عدالت‌خواهانه رسول خدا بود که بر تمامی منزلت‌های واهی اشرافیت زمان خویش، که غنی را بر فقیر و سفید را بر سیاه و قبیله‌ای را بر قبیله‌ای دیگر برتری می‌داد، خط بطلان کشید و اتحاد و انسجام بین مسلمانان را سبب شد. اهتمام امام علی (ع) به رعایت عدالت تا اندازه‌ای بود که از کارگزاران خود می‌خواست میان مردم، حتی در نگاه کردن به آن‌ها، عدالت را مراعات کنند تا مبادا بزرگان قوم به برتری خویش بر ضعیفان امیدوار، و ناتوانان از عدالت حاکمان ناامید گردند.<sup>۱۶</sup> بنابراین عدالت و مبارزه با تبعیض یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد و استمرار «اتحاد ملی» است و فقدان آن تهدید و آسیب‌زایی برای این فرایند محسوب می‌شود.

۲- نظام طبقاتی: از جمله آسیب‌هایی که می‌تواند «اتحاد ملی» را در معرض تهدید، تضعیف و زوال قرار دهد شکل‌گیری یک نظام طبقاتی است. تفاوت این مورد با مورد قبل در این است که گاهی نظام حاکم

بر جامعه نظام طبقاتی نیست، اما رویکرد و عملکرد حاکمان تبعیض‌آمیز است، اما در بعضی از مواقع نظام حاکم، نظامی کاملاً طبقاتی و سلسله‌مراتبی است. در چنین وضعی امکان اتحاد، وحدت و همدلی برای شهروندان در قالب یک ملت منسجم به دور از ذهن است. بهترین نمونه در این زمینه نظام طبقاتی حکومت ساسانی در ایران قبل از اسلام است. حکومت ساسانیان بر اساس فضیلت طبقاتی پایه‌گذاری شده بود. به طور مثال طبقه پیشه‌وران حق ورود به محدوده طبقه روحانیان را نداشت و بالطبع از امتیازات این طبقه نیز محروم بود. نقل جریان کفش‌دوزی که قصد داشت با پرداخت پول بسیار زمینه مساعد شدن تحصیل فرزندش را فراهم کند، اما با مخالفت دستگاه حاکم روبه‌رو شد توسط فردوسی در شاهنامه شاهدهی بر وجود نظام طبقاتی در این دوره است.

بنابراین نظامی که مبتنی بر اجرای عدالت و ضدیت با طبقاتی کردن جامعه باشد، در امر احیای «اتحاد ملی» قوی‌تر و جدی‌تر می‌تواند وارد شود.

### آسیب‌شناسی «انسجام اسلامی» (الف) در مقوله «فرهنگی»:

در مباحث فرهنگی مسائلی بین مسلمانان در جهان اسلام در حال اتفاق است که نیاز اساسی به بازخوانی و اصلاح دارد. اصولاً اصلاح فرهنگی مشکل‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نوع اصلاح اجتماعی است. آنچه تاریخ اسلام آن را شاهد بوده است سیر اصلاح اوضاع نامساعد فرهنگی جزیره‌العرب توسط پیامبر(ص) می‌باشد که این یکی از نخستین اهداف و آرمان‌های آن حضرت بود که در دستور کاری ایشان قرار گرفت. مبارزه با خرافات و سنت‌های ناپسند جاهلی، رفع تبعیض‌های ناروا و مقابله با جهل و نادانی مردم از اقدام‌های مهم اصلاحی پیامبر در مقوله «فرهنگ» بود که با تحمل مشکلات و سختی‌های فراوان به سرانجام رسید و پس از پیامبر(ص) دیگر انمه(ع) آن را پیگیری نمودند.

در زمان حاضر نیز مسلمانان از لحاظ فرهنگی نیز دچار مشکلات اساسی می‌باشند. در مقوله فرهنگ بعضی اعتقادات و برداشت‌های فرهنگی در میان مسلمانان نضج گرفته است که مانع و رادعی برای تحقق انسجام اسلامی می‌باشد. در ادامه به پاره‌ای از آنان اشاره شده است.

۱- تمرکز بر نقاط اختلافی، و فراموشی نکات اشتراک: از جمله عواملی که تفرقه و تشتت آرا را در میان مسلمانان باعث شده و می‌شود، تمرکز بر نقاط اختلافی و فراموشی نکات اشتراک است بعد از رحلت پیامبر(ص) در مسیر انتخاب جانشین آن حضرت شکافی بین مسلمانان ایجاد شد که در قالب «شیعه» و «سنی» هنوز هم ادامه دارد. امروز نیاز هر دو فرقه به همدلی است و نباید هر جریان به بهانه محق

دانستن خود در مسیر اختلاف حرکت نماید؛ زیرا می‌توان با توجه به نقاط اشتراکی در مسیر اتحاد گام برداشت که در ذیل به مواردی از نقاط اشتراک اشاره شده است:

۱- محبت اهل بیت(ع): روایت «لنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل البیت» را به صورت تواتر، هم شیعه و هم سنی روایت کرده‌اند، اگرچه در بعضی از نقل‌ها بعضی کلمات به صورتی متفاوت ذکر شده است. این نشان‌دهنده این واقعیت است که علاقه‌مندی به اهل بیت پیامبر(ص) می‌تواند یک نقطه اشتراک برای تمامی پیروان دین محمد(ص) باشد تا در سایه این مهم به وحدت ناب دست یابند.

۲- مناسک حج: با تدبّر و تعمق در فلسفه مناسک عبادی - سیاسی حج به وضوح درمی‌یابیم که امر خداوند به انجام این عمل در زمان واحد و مکان واحد حاوی سزای است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. حج این توان و قدرت را دارد که مروج وحدت و یکپارچگی بین مسلمانان باشد. ربیع بن خثیم می‌گوید که امام صادق(ع) را دیدم که در شرایط سختی حج انجام می‌داد. علت را از ایشان جویا شدم فرمود: «خداوند در قرآن درباره فلسفه حج فرموده است: تا شاهد منافعی برای خودشان باشند.» پرسیدم: منافع دنیا یا آخرت؟ فرمود: «همه». قطعاً یکی از منافع موجود در حج برای مسلمانان ایجاد روحیه اتحاد و برادری می‌باشد.

۳- قرآن: تنها منبع و کتابی که مورد اعتماد و وثوق همه مسلمانان می‌باشد قرآن است و با توجه به همین ویژگی منحصر به فرد آیات محکم قرآن، که هرگونه برداشت و تفسیر به رأی از آن‌ها ممکن نیست، می‌تواند مسلمانان را به سوی وحدت سوق دهد. پیامبر اسلام(ص) فرموده است: «هرگاه کارها همچون پاره‌ای شب تار بر شما مشتبه و مبهم گشت، به قرآن روی آورید که آن شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و خصمی است که شکایتش قبول می‌شود.»<sup>۱۸</sup>

از این حدیث شریف و صدها مثل دیگر به‌خوبی روشن می‌شود که مسلمانان برای رهایی از مشکلات و از جمله اختلافات و دو دستگی باید به قرآن رجوع کنند

۲- تکیه بر تعصبات افراطی مذهبی: اسلام دین عقلانیت و اندیشه است. قرآن نیز بر این امر تأکید فراوان کرده است: «اقوال را بشنوید و با تفکر و اندیشه قبول بهتر را انتخاب نمایید.» (زمر / ۸۱).

پیامبر اسلام(ص) خود با نمایندگان فرهنگ‌های مختلف بحث می‌کرد و در محیطی کاملاً منطقی و به دور از تعصب و جنجال، مباحث را پیگیری می‌فرمود. آنچه ما امروز در دنیای اسلام شاهد آن هستیم فاصله گرفتن از این فرهنگ ناب قرآنی و سیره نورانی پیامبر(ص) است. خطری که امروز «انسجام اسلامی» را در درون جهان اسلام تهدید می‌کند تعصب‌ورزی بر

سر اعتقادات مذهبی و متهم کردن دیگر فرقه‌های اسلامی می‌باشد. امام علی(ع) در این باره فرموده است: «به هوش باشید و بدانید که شما از ریسمان طاعت خداوند دست کشیده و با تجدید رسم جاهلیت که همان تفرقه و تعصب است دژ محکم الهی را در هم شکستفاید.»<sup>۱۹</sup> اصولاً در جایی که منطق حاکم است و اندیشه‌ورزی و خردگرایی اصالت دارد، فرصتی برای ظهور و بروز تعصب‌ورزی باقی نمی‌ماند. افراطی‌گری در هر مسلکی به مثابه سمی خطرناک عمل می‌کند و ریشه و بنیان آن مسلک را ویران خواهد کرد. پافشاری متعصبانه بر افکار و عقاید خود و نفی مطلق دیگران بزرگ‌ترین ضربه را بر انسجام اسلامی وارد خواهد کرد و تفرقه بین مسلمانان همگانی و فراگیر خواهد شد. امام سجاد(ع) فرموده است: «تعصبی که به سبب آن، انسان، گناهکار شمرده می‌شود این است که شخص اشرار قوم خویش را بهتر از نیکان دیگر اقوام بداند.»<sup>۲۰</sup>

واقعیت این است که جهان اسلام امروز در بطن خود با بعضی از فرقه‌های اسلامی روبه‌رو است که اساس و پایه اعتقادی آن‌ها تعصب‌ورزی، اتهام‌زنی و تکفیر سایر فرقه‌های اسلامی می‌باشد. این گروه‌ها با تنگ‌نظری و تعصب کورکورانه خود را اسلام حقیقی تلقی می‌کنند و سایر مسلمانان را منحرف، کافر، و مشرک می‌دانند. اینان اسلام را با مبنای حرد تبیین و تفسیر می‌کنند، که عمده ویژگی اسلام این جماعت قشری‌گری، سلفی‌گری افراطی و غیرواقعی، و خشونت محوری می‌باشد و بر همین اساس مخالفان خود را محکوم می‌نمایند.

آنچه در این میان ضروری است و باید تمامی فرقه‌های اسلامی بدان توجه کنند محکوم کردن این گونه سیاست‌های تفرقه‌افکنانه است. نتیجه تعصب بدون پشتوانه عقلانی، خشونت‌محوری است و ما حاصل خشونت جنگ میان مسلمانان، و این خطری عظیم برای اتحاد و انسجام اسلامی محسوب می‌شود. آنچه امروز جهان اسلام تشنه آن است گفت‌وگو و تعامل سازنده می‌باشد و طرد هرگونه تعصب افراطی.

۳- سهل‌انگاری علمای اسلام: یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های موجود در هر جامعه، به‌ویژه در مسائل فرهنگی و مقوله‌های اجتماعی، علمای اندیشمند و متفکران آن جوامع می‌باشد. یکی از افت‌ها و آسیب‌هایی که می‌تواند «انسجام اسلامی» را تهدید کند و زایل سازد بی‌تفاوتی علمای دین در این عرصه حساس و سرنوشت‌ساز است. علمای دینی و اندیشمندان و متفکران مذهبی باید با تمام وجود دغدغه وحدت امت اسلامی را داشته باشند و این بحث را مسأله‌ای حیاتی تلقی نمایند که در این صورت بازخورد آن در صحنه عمل بروز خواهد کرد و با توجه به اینکه علمای دین نفوذ زیادی در امت اسلام دارند، با اتخاذ سیاست «وحدت امت اسلام» و

ترویج و تبلیغ آن می‌توانند به استقرار و استحکام «انسجام اسلامی» در جهان اسلام کمک شایان توجهی نمایند. در مقابل، اگر علمای دین خود را مسئول این امر ندانند و در مقابل آن احساس مسئولیت نکنند و مجدانه در مسیر اتحاد و وحدت قدم برندارند، طبیعتاً تأثیر معکوس خواهد گذاشت و روند اتحاد، وحدت و انسجام امت اسلام با بحران مواجه خواهد شد: زیرا چشم و گوش مردم و امت اسلامی به علماست و اگر آن‌ها نسبت به این مقوله بی‌انگیزه باشند، این روحیه مخرب به توده امت اسلامی نیز سرایت خواهد نمود و اساس وحدت اسلامی در خطر خواهد افتاد.

بنابراین علمای دین در این عصر و زمانه خطیر، که اسلام بتمامه مورد هجوم همه‌جانبه کفرورزان و مستکبران عالم قرار گرفته است، باید رسالت تاریخی خود را انجام دهند. علمای سلف و گذشته در جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی، قدم‌های خوبی در این مسیر برداشته‌اند که به بعضی از این موارد اشاره‌ای گذرا شده است.

۱- سید جمال‌الدین اسدآبادی: بدون تردید اولین و مهم‌ترین منادی اصلاح‌طلبی دینی و وحدت مسلمانان، در قرون اخیر، همو می‌باشد دعوت و نهضت او برخلاف بسیاری از دعوت‌ها و نهضت‌ها، هم جنبه فکری - فرهنگی داشت و هم سیاسی - اجتماعی، و این دو جنبه نیز پیوندی منطقی با یکدیگر داشتند.<sup>۲۱</sup> سید معتقد بود که جامعه اسلامی به ترک فضائل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیل دچار شده است و این عاملی است برای تفرقه و دو دستگی «اگر این اوصاف رذیل در نفوس افراد قومی، رسوخ گردد، دشمنی و عداوت میان آنان تشدید می‌شود و در ظاهر، آن‌ها با هم جمع هستند، ولی دل‌های آن‌ها متفرق از هم و از خداست.»<sup>۲۲</sup> سیدجمال با آگاهی از جایگاه اساسی و تعیین‌کننده علمای اسلام و رؤسای بلاد اسلامی در وحدت و ارتباط میان مسلمانان، ریشه و علت این فراق و جدایی و برقرار نبودن ارتباط میان مسلمانان را در ارتباط نداشتن رهبران و علمای اسلام با هم و جدایی آن‌ها از همدیگر دانسته و گفته است: «علمای اسلام که برای حفظ عقاید اسلامی و هدایت مردم به سوی آن عقاید و ایمان تلاش می‌کنند در میان خود ارتباط نزدیکی با هم ندارند، مثلاً عالم مسلمان ترکی از حال عالم مسلمان حجازی بی‌خبر است، همین‌طور میان علمای سایر کشورهای اسلامی هم ارتباط و نزدیکی نیست.»<sup>۲۳</sup>

۲- شیخ محمدعبده: وی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شاگرد و مرید سید جمال بود که درخصوص مسأله وحدت اسلامی در چارچوب اصلاح فکر دینی با استاد خود هم‌عقیده بود. زندگی عبده در دو مرحله اصلی بررسی می‌شود: در مرحله اول می‌توان گفت که وی کاملاً هماهنگ با سید جمال به مسأله وحدت اسلامی و رفع موانع آن، از جمله استبداد و استعمار غربی، توجه

داشته و در این عرصه فعالیت‌هایی نموده است. این مرحله از سال ۱۲۸۸ ش پس از ورود سیدجمال به مصر، شروع شد و تا سال ۱۳۰۲ ش، که با تعطیلی عرومالوتقی، سید راهی ایران شد و عبده به بیروت بازگشت، خاتمه یافت. در مرحله دوم که از شروع اقامت عبده در بیروت به مدت سه سال و برگشت وی به مصر تا آخر عمر را شامل می‌شود، عبده از آن تب و تاب اولیه افتاد و مشغول فعالیت اصلاحی و تدریس و نوشتن شد. اهمیت «شرح نهج‌البلاغه» عبده، که احتمالاً تحت تأثیر سیدجمال انجام شد، بعنوان یک اقدام پان‌اسلامی و در جهت پیوند و نزدیکی دو دسته بزرگ از مسلمانان، یعنی شیعه و سنی، و وحدت اسلامی، هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که جو آن روز کشورهای اسلامی، به ویژه تبلیغات ضد شیعی سلطان عثمانی را در مخالفت با ایران و شیعیان، در نظر بگیریم.<sup>۲۴</sup>

۳- سید عبدالرحمان کواکبی: وی استبداد را بزرگ‌ترین مانع راه اتحاد اسلامی می‌دانست و خواستار انتقال خلافت از ترک‌ها به اعراب بود. کواکبی اتحاد اسلامی را در عرصه جهان اسلام و میان همه مذاهب اسلامی در نظر داشت و به‌ویژه نسبت به شیعه و ائمه اطهار(ع) با نظر محبت و ارادت رفتار می‌کرد و در این باره از این‌خلدون انتقاد می‌نمود. ایشان «به‌هم‌بستگی» را صفتی مهم از صفات پسندیده می‌خواند و اظهار می‌کرد امت‌ها در همه چیز تقلید می‌کنند جزء در این‌گونه صفات. بنابراین نبود پیوند میان مسلمانان را نكوهش می‌نمود و خطاب به مسلمانان می‌گفت: «شما از جهل و نادانی شکایت می‌کنید بدون اینکه در فکر تعلیم و تربیت خود باشید، و نیز از تفرقه و عدم پیوستگی شکایت می‌کنید و حال آنکه از چند وجه، پیوستگی دارید و در محکم ساختن

آن فکری نکردید.»<sup>۲۵</sup>

«ام‌القری» کتاب بسیار مهم کواکبی است که در آن، طرحی برای اتحاد اسلامی با مرکزیت «مکه مکرمه» ارائه گردیده است. سیدجمال در این کتاب محسوساً به پیوند میان شیعه و سنی توجه کرده است. سیدجمال در «شرح جمعیت عربیه» همسو بود. باین‌حال کواکبی نخستین مسلمانان یشگام در اندیشه و طرح سازمان بین‌المللی یا انترناسیونال اسلامی به طور مدون و منظم هست و نیز نخستین نویسنده معاصر عرب بود که مفهوم «مؤتمر» یعنی کنگره را در قاموس سیاسی زبان عرب رواج داد و نهادینه نمود.<sup>۲۶</sup>

هدف ما از بیان این موارد این بود که جایگاه علمای دین در مقوله «انسجام اسلامی» مشخص شود که تا چه حد توان تأثیرگذاری دارند. حال هر چه آن‌ها خود را بیشتر به احیای اتحاد اسلامی ملزم بدانند، انسجام اسلامی پویاتر، مقاوم‌تر و پرشورتر خواهد شد و هرچه از مسئولیت‌شانه خالی نمایند یا در مسیر عکس حرکت کنند، امت اسلام هیچ‌گاه تحقق وحدت را شاهد نخواهد بود.

(ب) در مقوله «سیاسی»:

پس از فروپاشی امپراتوری اسلامی عثمانی و مستقل شدن کشورهای اسلامی در قالب یک حاکمیت مشخص، مباحث «سیاسی» در جهان اسلام اهمیت بیشتری پیدا کرد و تأثیرپذیری بیشتری در مقوله «انسجام اسلامی» یافت. از آنجاکه «سیاست» ارتباط مستقیمی با مقوله «قدرت» دارد و حکومت را کسانی تشکیل می‌دهند که قدرت را به‌دست آورده



**حزب به معنای جدید و نوین خود در مدل حکومتی اسلام تأیید شده است. احزاب سیاسی با جهت گیری مثبت می توانند در زندگی عمومی و سیاسی جامعه مؤثر باشند و با کمک به گسترش آگاهی سیاسی مردم، شهروندان را به زندگی بهتر و اتحاد و همبستگی و فعالیت جمعی سوق دهند، و بدین ترتیب در شکل دهی و تبیین مصالح دینی و ملی، که شریعت اسلامی مرزهای آن را مشخص می کند، مفید واقع گردند**

باشند، حاکمان، نوع حکومت، شیوه و روش آن و نوع تعامل حکومت با دیگر حکومتها در بحث «انسجام اسلامی» موقعیت بسزایی دارد. جهان اسلام، اگر در عرصه سیاسی نقاط قوت و ضعف را بشناسد و درصدد برآید نقاط قوت را تقویت و نقاط ضعف را ترمیم نماید، لامحاله قدم بسیار بزرگی در مسیر هم‌گرایی خواهد برداشت. انسجام اسلامی با هم، حمایت از یکدیگر و پررنگ کردن نقاط اشتراک می‌باشد که همه این‌ها نمود اتحاد در عرصه سیاسی است، لذا آنچه در این مجال لازم است بدان اشاره شود بازشناسی نقاط ضعف، آسیب‌ها و آفت‌هایی است که می‌تواند انسجام اسلامی را در جهان اسلام در عرصه «سیاسی» تهدید نماید.

۱- قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم منفی: یکی از برکات و نمره‌های ظهور اسلام خط بطلان کشیدن به اصالت دادن به قوم و قبیله می‌باشد. در اسلام آنچه ملاک و معیار محسوب می‌شود «امت واحد» است و مسلمانان حول یک محور به نام اسلام مجتمع می‌شوند و بدون تمایزات قومی، همگان تحت لوای اسلام حرکت خواهند نمود.

جهان اسلام، که در عصر حاضر متشکل از ۵۳ کشور می‌باشد، به وحدت استراتژیک نیاز دارد و هر مسأله‌ای که مانعی برای تحقق این مهم محسوب گردد باید از سر راه برداشته شود. واقعیت این است که امروز اصالت دادن به ملیت و تعصب ورزیدن به آن، پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم، تقسیم جهان اسلام به عرب و عجم و مسائلی از این دست، مهم‌ترین آسیب برای انسجام اسلامی در عرصه سیاسی است. اگرچه امروز حاکمیت سیاسی کشورهای اسلامی به رسمیت شناخته شده و حدود و ثغور هر حکومتی مشخص است و دست یافتن به حکومت واحد جهانی اسلامی در عمل ناممکن می‌باشد، در همین چارچوب هم این امکان وجود دارد که جهان اسلام در مسیر هم‌گرایی و وحدت پیش برود و در جهت منافع عمومی جهان اسلام حرکت نماید. حکومت‌های اسلامی باید به گوش و به هوش باشند که جدا نمودن صفوف مسلمانان از هم به بهانه‌های قومی و ملیت‌پرستی ضربات جبران‌ناپذیری به پیکره جهان اسلام وارد خواهد کرد و این بسان کشتی‌ای است که در دریا در حال حرکت است و کسی بخواهد قسمتی را سوراخ کند که باعث می‌شود همگان غرق شوند. اسلام همه مسلمانان را برادر می‌داند و فضلی برای عرب بودن یا عجم بودن قائل نیست. و همگان را به سوی تحقق امت واحده جهانی دعوت می‌نماید.

با مطالعه تاریخ پرفراز و نشیب اسلام به این نکته می‌رسیم که در طی تاریخ، یکی از عوامل مهم تفرقه و اختلاف مسلمانان تکیه بر تفاخرات و عصبیت‌های قومی می‌باشد. امام علی(ع) در خطبه‌ای در نصیحت مردم به پرهیز از اختلاف و پراکندگی فرموده است:

«مواج فتنه برخاسته و کشتی اسلام به گرداب در افتاده است. از روش‌هایی که اختلاف را می‌افزاید باید سر پیچیده و مفاخر و عصبیت‌های قومی و سوابق شخصی را باید کنار گذارد. این افتخارات چون تاج‌های ساخت و ساز بشر است که در اسلام ارزشی ندارد.»<sup>۳۳</sup>

سید جمال‌الدین اسدآبادی، آن منادی وحدت و دل‌سوخته امت اسلامی، در مبحثی تحت عنوان «ملیت و دیانت اسلامی»، ضمن تحلیل فلسفی و علمی - تاریخی این مسأله، این نظریه را که «حس تعصب قومی و نژادی از خصایص فطری و طبیعی انسان‌هاست» رد نموده و آن را عارضی خوانده و گفته است: این حس تعصب و علاقه قومی طبیعی نیست، بلکه «از ملکات عارض بر انسان‌ها» است که ابتدا «فقط برای رفع نیازها و جلب منافع» در انسان‌ها پدید آمد، ولی به تدریج به واسطه تربیت صحیح نیافتن، با خروج از جاده اعتدال و رسیدن به مرحله افراط، با افزایش طمع‌ورزی و توأم شدن آن با قدرت، به صورت دشمنی اقوام با یکدیگر جلوه کرد و از طریق توارث، به نسل‌های بعد منتقل گردید و قرابت خویشی و نسبی، وسیله دفع شر دشمن قرار گرفت که به مرحله نژادی و قومیت‌گرایی رسید و به همین ترتیب انسان‌ها در روی زمین تقسیم شدند و امت‌های مختلفی به وجود آوردند و راه افراط در پوئیدند.<sup>۳۴</sup>

شیخ محمدابوزهره، استاد دانشگاه الازهر و رئیس دانشکده حقوق قاهره، محقق بنام مصری در دوران معاصر است که با تکیه بر عقاید و مواضع اسلامی خود، تلاش‌ها و مجاهدات قلمی و فکری - فرهنگی مهمی در مسیر وحدت بین مسلمانان انجام داده است. وی در ریشه‌یابی لزوم گسستن وحدت مسلمانان از صخر اسلام، شروع آن را از وقتی می‌داند که «احساس قومیت» در مسلمانان شدت گرفت و «قومی درصدد برآمد که قومیت خود را زنده و آشکار نماید». این امر متفرق شدن مسلمانان و جنگ حکومت‌ها با یکدیگر را باعث شد و حاکمان مردم را به نبرد با برادران مسلمان خود تشویق کردند نه با دشمنان و همین مسأله باعث شد صلیبیان به قلمرو اسلامی وارد شوند.<sup>۳۵</sup>

بنابراین آنچه برای حاکمان در کشورهای اسلامی به عنوان یک وظیفه، متعین و لازم است شکل‌دهی تعامل با دیگر ملل اسلامی بر اساس اسلام به عنوان نقطه اشتراک امت اسلامی است و مبارزه با هر نوع حرکتی که درصدد باشد مسائل قومیت‌گرایی را پررنگ کند و به سیر وحدت و انسجام اسلامی ضربه زند.

۲- حمایت نکردن حکومت‌های اسلامی از هم: جهان اسلام باید به مثابه یک پیکر تلقی شود که اگر یک جزء از این پیکر دچار ناراحتی شد، اجزای دیگر نیز احساس راحتی و آرامش نکنند و درصدد باشند به هم یاری رسانند. اگر احساس بی‌تفاوتی در میان حکومت‌ها رواج پیدا کند و این حکومت‌ها خود را در مقابل هم مسئول ندانند، قطعاً وحدت شکل نخواهد گرفت و

فقدان این روحیه می‌تواند «انسجام اسلامی» را دچار خدشه و افول نماید. با مراجعه به تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم پس از کشمکش‌هایی که بعد از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) بر سر خلافت و جانشینی آن حضرت پیش آمد و در نهایت جناب ابوبکر به این منصب رسید، ما مدرکی دال بر درگیری بین طرفداران امام علی (ع) و حکومت نذاریم و پس از این رویداد، امت اسلامی در مسیر همدلی به حرکت خود ادامه داد که در این مرحله جایگاه امام علی (ع) اهمیت بسزایی دارد و شخص آن حضرت طلایه‌دار در وحدت و انسجام گشت. به‌طور مثال مرحوم شیخ حرعاملی نقل کرده است. که امام علی (ع) در نماز به خلفا اقتدا می‌کرد.<sup>۲۰</sup> مرحوم علامه سیدشرف‌الدین در تفسیر عمل حضرت امیر، آن را از روی تقیه ندانسته و امام (ع) را منزله از ادای عبادت از روی تقیه دانسته و لذا اقتدای شیعه به سنی را در نماز تجویز کرده است.<sup>۲۱</sup> از دیگر موارد همدلی و وحدت‌طلبی علی (ع)، مسأله همکاری و هم‌فکری و رایزنی و طرف شورا قرار گرفتن آن حضرت با خلفای قبل از خود بود؛ چه در مسائل پیچیده سیاسی، نظامی و چه در مسائل غامض و مشکل قضایی و اجتماعی و حتی شخصی، که در این زمینه، مطالب فراوانی در کتب تاریخی نقل شده است. از جمله مواردی که ابوبکر با صحابه و نیز علی (ع) مشورت کرد درباره لشکرکشی به روم بود که صحابه هر کدام نظری دادند و امام علی (ع) فرمود: «اگر دست به این کار زنی، ظفر یابی» و همین‌طور هم شد.<sup>۲۲</sup> این سیره و روش، حجت را بر همگان تمام می‌کند که حفظ اسلام و عزت مسلمانان بر هر چیز دیگری مقدم است و متولیان حکومت در جهان اسلام باید یار، مشاور و همراه صدیقی برای هم باشند و با اعصاب به ریسمان الهی و تقویت مشترکات در مسیر همدلی، برادری و وحدت پیش بروند و هر مشکلی که برای یکی از حکومت‌های اسلامی پیش آمد جهان اسلام به‌طور همگانی درصدد یاری و نصرت او برآیند که در این مسیر، «انسجام اسلامی» دور از دسترس نخواهد بود.

۳- ایجاد زمینه‌های نفوذ نظام سلطه توسط حکومت‌های اسلامی: آنچه امروز در جهان کنونی و عصر حاضر در حال اتفاق است مقابله نظام سلطه با جبهه حق و حقیقت است. نظام سلطه به چیزی کمتر از نابودی و اضمحلال حق راضی نمی‌شود. یکی از اصول مهم این نظام برای تحقق منویات شوم خود رخنه کردن در جبهه حق‌باوران و ایجاد اختلاف و تفرقه است. بنابراین آنچه در اینجا در درجه اول اهمیت قرار دارد هوشیاری و بیداری حاکمان کشورهای اسلامی در مواجهه با این پدیده زشت و شوم است. حکومت‌های جهان اسلام هیچ‌گاه نباید این اجازه را به نظام سلطه بدهند که بتواند با نفوذ خود رشته‌های وحدت و اتحاد را در میان مسلمانان پاره

نماید. متأسفانه بعضی از حکومت‌های منشعب از تجزیه عثمانی همسو با حرکت‌های استعماری رفتار کردند و در جهت تفرقه و تجزیه امت اسلامی گام برداشتند و به همین دلیل عملکرد و جهت‌گیری‌هایشان، چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی، علیه مصالح کل مسلمانان و به نفع نظام سلطه رقم خورد و از طریق پیمان‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی و کمک گرفتن از حکومت‌های استعماری و سلطه‌گر زمینه تفرقه و اختلاف را در میان جهان اسلامی فراهم نمودند و باعث شکاف بین کشورهای مسلمان شدند.

#### نتیجه:

وحدت و انسجام در عصر حاضر مرجم زخم‌های کهنه جهان اسلام است و اگر مسلمانان خواهان بازگشت به عصر طلایی خود می‌باشند و علاقه‌مند مرجعیت علمی در جهان هستند باید احساس یکی بودن را در خود ایجاد، تقویت و فراگیر نمایند. دیگر فرصتی برای آزمون و خطا نیست. جهان اسلام فراتر از ظرفیت خود به نقصان و عقب‌ماندگی دچار است و باید با تمام توان در مسیر پیشرفت و تعالی حرکت کند امروز باید قرار گرفتن اسلام در قله، هدف همه مسلمانان باشد و به دور از تعصب و تفرقه در رسیدن به این هدف مقدس همگان، اعم از شیعه و سنی، به جهادی فداکارانه و خروشی عاشقانه دست بزنند و در این راه از هیچ ایثار و از خودگذشتگی فروگذار نکنند. واقعیت این است که جهان اسلام این توان و قدرت را دارد که گذشته خود را احیا کند و به جهان بشریت ثابت نماید که اسلام عصر طلایی تکرارشدنی است و به صورت آرزویی محال به آن نمی‌نگرد. البته این امر مستلزم اتخاذ یک سلسله استراتژی است که از موارد مهم آن شناخت نقاط و روزنه‌هایی است که ممکن است از طریق آن‌ها جهان اسلام به تشتت و تفرقه دچار شود و نتواند به هدف والای خود برسد. آنچه در این نوشتار به‌طور مختصر بیان شد فقط گوشه‌ای از آسیب‌ها و آفت‌هایی است که می‌توان در روند «انسجام اسلامی» اختلال وارد نماید.

مقوله «اتحاد ملی» هم در جای خود مهم و حیاتی است و جوامع اسلامی از جمله ایران اسلامی باید در مسیر رشد و تقویت آن کوشا و جدی باشند و مانع رشد عوامل تفرقه و اختلاف شوند. به امید آن روز که جهان اسلامی و کشورهای اسلامی شهد شیرین وحدت و همدلی را احساس کنند و از ثمره‌های این شجره حیات‌بخش بهره‌مند گردند.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- عباس و منوچهر آریابور، فرهنگ دو جلدی دانشگاهی انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۱۵۶۹
- ۲- علی دژاکام، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد مطهری، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶
- ۳- عبدالرسول بیات و همکاران، فرهنگ واژه‌ها، چاپ اول،

- ۴- مهدی نوروزی خیابانی، فرهنگی لغات و اصطلاحات سیاسی، چاپ نهم، تهران، نشرنی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵
- ۵- محمدهادی معرفت، التمهید فی العلوم القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۳۶
- ۶- سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۳۷۱
- ۷- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲
- ۸- سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ نوزدهم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۵۷۴
- ۹- محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، نشر دار الحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۲۲۲۲
- ۱۰- همانجا.
- ۱۱- ابوهی فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ترجمه علی کریمی، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۸۰، ج ۳۰، ص ۱۳۶۱
- ۱۲- محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۹، ص ۲۲۲۷
- ۱۳- محسن مدیر شانه‌چی، احزاب سیاسی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۵، ص ۱۵
- ۱۴- جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۷۰۳۱
- ۱۵- ابومحمد الحسن بن علی بن‌الحسن ابن‌شعبه حرانی، تحف‌المقول عن آل الرسول، قم، مکتبه البصیرتی، ۱۳۹۳، ص ۲۴
- ۱۶- نهج البلاغه، نامه ۵۹
- ۱۷- محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه جواد محدثی، قم، دارالحدیث، حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۱۹۵
- ۱۸- میزان الحکمه، ج دهم، ص ۴۸۰۳
- ۱۹- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲
- ۲۰- تقه‌الاسلام کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۳
- ۲۱- سیداحمد موقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹۷
- ۲۲- سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عروه‌الوقتیه، ترجمه زین‌العابدین کاظمی، تهران، انتشارات حجر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۱
- ۲۳- همانجا.
- ۲۴- سیداحمد موقی، همان، ج ۲، صص ۱۹ - ۱۸
- ۲۵- سیدعبدالرحمن کواکبی، طبیعت استبداد ترجمه عبدالحسین میرزای قاجار، نقد و تصحیح محمدجواد صباحی، مقدمه آیت‌الله طالقانی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶
- ۲۶- سیداحمد موقی، همان، ج ۲، ص ۶۸
- ۲۷- سیدمحمد طالقانی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، ۱۳۵۶، بخش اول، ص ۶۶
- ۲۸- سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عروه‌الوقتیه، ص ۷۰
- ۲۹- عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، توحید کلمه، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۱
- ۳۰- وسائل الشیعه، کتاب الصلوه، ص ۵۳۴
- ۳۱- محمدرضا حکیمی، مشعل اتحاد، ص ۲۶
- ۳۲- احمد ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱